

مسعود معتملی (افسر بازنشسته)

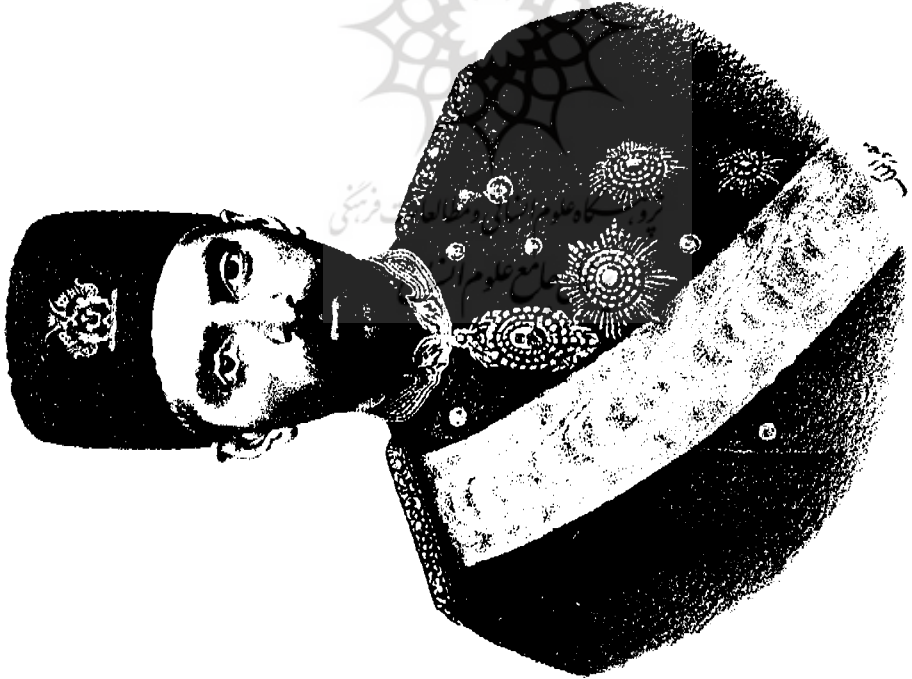
اردو کشی مظفری از قزوین به کردستان

پدر بزرگ و جد پدری نگارنده هردو نظامی و فرماندهان افواج (هنگک) مقیم قزوین بودند، در بررسی اوراق بازمانده از آنها که میتوان گفت قسمتی از بایگانی دفتر فرماندهی فوج است به اردو کشی که از قزوین برای برقراری نظم و امنیت به کردستان انجام شده بود برخوردیم که اینک در زیر شرح داده میشود. این اردو کشی در سال ۱۳۱۴ هجری قمری و در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه قاجار انجام شد لذا توضیحی درباره وضع و سازمان ارتش در آن زمان ضروری است:

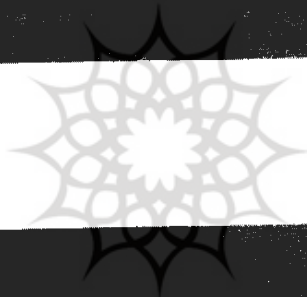
سازمان قشونی در عهد ناصرالدین شاه قاجار - ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۴ هجری قمری برابر ۱۲۷۳ شمسی سلطنت رسید و میرزا تقی خان امیر کبیر را بصدارت خود انتخاب کرد و این صدراعظم بزرگ و وطن دوست برای حفظ مصالح و منافع کشور وجود یک ارتش منظم و نیرومند را لازم دانست و درصدد تشکیل یک ارتش اصولی برآمد و براین اساس



امیر الامراء العظام نصر الملک



نواب مستطاب میرزا آساف خان اور بیکت درویش گل قزوئی



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سازمان ارتش را بر اصول بنیچه^۱ قرارداد. بنیچه^۲ در اصطلاح مالیه سابق عبارت از صورت تقسیم مالیات هر ده بر آب و خاک آن ده است که سهم هر جریب زمین باساعت آب یعنی واحد مالیاتی را معین و بدهی هر ملک را از محل مبلغ مالیات مشخص نماید، برای اینکه سربازگیری هم مانند مالیات بر پایه اساسی مستقر شود بنیچه^۳ مالیاتی را ماخذ دادن سرباز قرار دادند. در سال ۱۲۶۸ ارتش ایران شامل ده تومان^۴ بود که هر تومان به تفاوت چهار تا یازده فوج^۵ داشت و فرمانده تومان امیرتومان و فرمانده فوج یک سرتیپ بود. برای هر فوج بیرق (پرچم) خاصی معین کرده بودند، روی پرچم نام و شماره تومان و فوج نوشته شده بود، در سازمان هر تومان یک فوج هم موسوم به فوج مخبران وجود داشت که در حقیقت واحد ارتباط و مخبراتی محسوب میشده.

قزوین در منطقه استقرار تومان ششم قرار داشت.^۶ در سال ۱۲۹۴ نصرالله خان نصرالملک سرتیپ^۷ فرمانده آن و فوج اول قدیم بفرماندهی امانالله خان سرهنگ^۸ و فوج دوم جدید بفرماندهی مصطفی خان سرهنگ^۹ بود. در سال ۱۲۹۸ بعد از فوت امانالله خان فرماندهی فوج به پسرش هدایت الله خان رسید^{۱۰}. در سال ۱۳۵۸ میرزا نبی خان نصرالملک^{۱۱} فرمانده تومان و فرماندهان فوج ۲۰۱ بدرجه سرتیپی نائل شدند^{۱۲}. در سال ۱۳۱۳ هجری قمری مطابق با ۱۲۷۵ شمسی پس از کشته شدن ناصرالدین شاه پسرش مظفرالدین شاه به تخت نشست، در این زمان ارتش شامل هفتاد و چهار

۱- درباره بنیچه رجوع کنید به کتابچه بنیچه قزوین نگارش مسعود معتمدی شماره ۲۰۱ سال ۱۳۴۵ مجله بررسیهای تاریخی.

۲- فرهنگ معین

۳- برابر تیپ یا لشکر.

۴- برابر هنگ.

۵- تاریخ ارتش نوین چاپ ستاد ارتش بخش نضت.

۶- ضمیمه^۱ مرآت البلدان جلد اول.

۷- نصرالله خان نصرالملک برادر میرزا حسین خان سهسالار فرزند میرزا نبی خان امیردیوان قزوینی در سال ۱۲۵۳ هجری وارد خدمت ارتش شد مدارج نظامی را تادرجه امیرتومانی طی کرد در سفر اول ناصرالدین شاه بارو با جزو ملتزمین بود و در سال ۱۳۵۹ درگنشت.

۸- امانالله خان جد پدری نگارنده فرزند میرزا موسی خان برادر میرزا نبی خان امیر دیوان است.

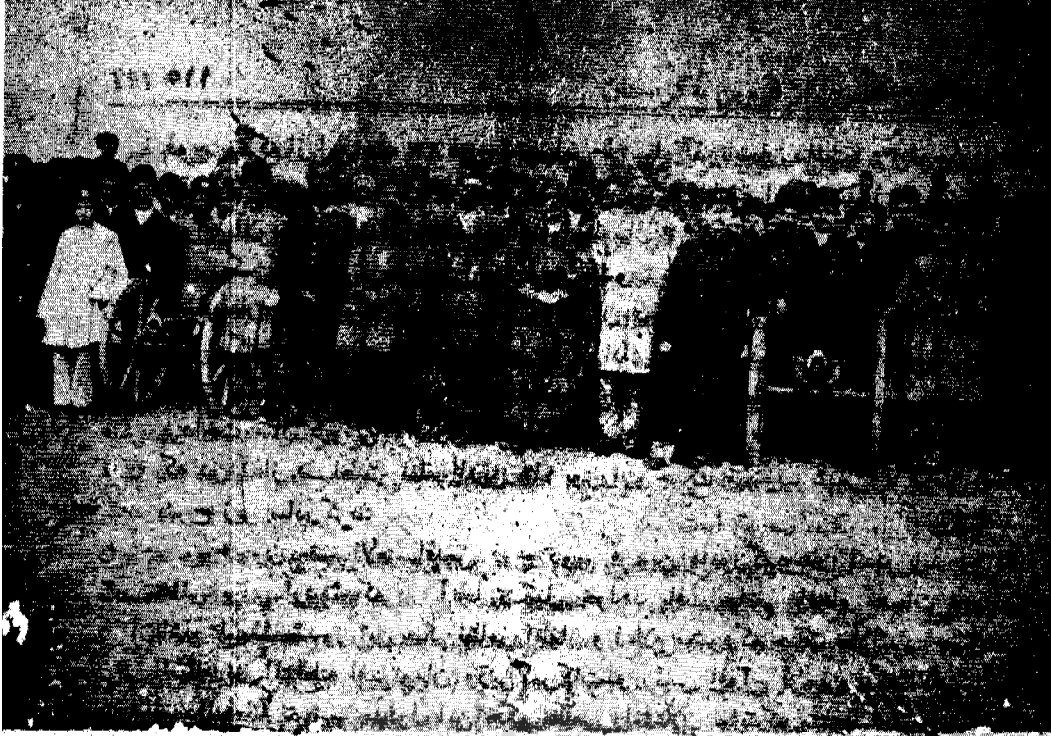
۹- مصطفی خان اسمدالسلطنه پدر بزرگ مادری پدر نگارنده فرمانده فوج دوم و فرمانده اردو کردستان بعد از عملیات نظامی در نقاط مختلف ملقب به سالار مضخم شد و در ۱۳۲۲ درگنشت.

۱۰- هدایت الله خان فرزند امان الله خان و داماد مصطفی خان اسمدالسلطنه ملقب به صارم لشکر پدر بزرگ نگارنده فرمانده فوج اول قزوین بعد از درگنشت پدرش شد در نظام اطرش درجه سرهنگی داشت تا اوایل مشروطیت در خدمت بود بعدها لقب سالار معتمد را دریافت و در سال ۱۳۱۲ شمسی وفات کرد.

۱۱- میرزا نبی خان نصرالملک فرزند نصرالله خان نصرالملک است که بعد از فوت پدر لقب ومنصب او را دریافت کرد.

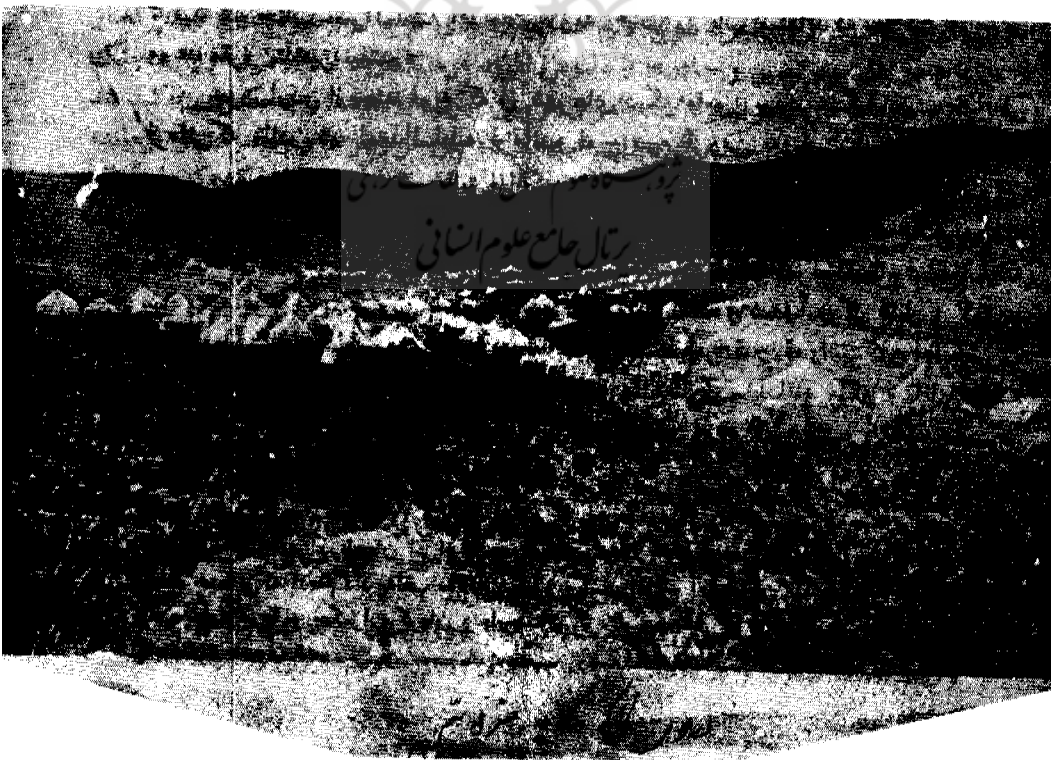
۱۲- ضمیمه جلد ۱ منتظم ناصری و ج ۱ درالتیجان.





کتابخانه جامع علوم اسلامی

کتابخانه جامع علوم اسلامی



فوج بود که از این عده ۲۳ فوج اختصاص بر سپاه آذربایجان داشت، ۳۸ فوج در پایتخت و قسمت غرب ایران و ۱۳ فوج در قسمت شرق کشور استقرار داشتند. ۱۴. تومان ششم و افواج آن در قزوین قرار داشتند در اواسط سال ۱۳۱۴ ولی خان نصرالسلطنه امیرتومان وزیر گمرکات بسرپرستی افواج قزوین منصوب شد و فرماندهی افواج کماکان بعهده فرماندهان قبلی بود. در این زمان کردستان دچار ناامنی بود و امورات مغشوش و بیگزادگان مریوان و اورامان یاغی و از ادای مالیات بدولت خودداری میکردند لذا دولت تصمیم گرفت اردوئی به کردستان اعزام نماید تا منطقه را امن و خوانین را به پرداخت منال دیوانی وادار کند در تاریخ ۹ شعبان ۱۳۱۴ فرمانفرما سالار لشکر ۱۴ که در آغاز سلطنت مظفرالدین شاه بوزرات جنگ منصوب شده بود فرمان نظامی بشرح زیر صادر کرد:

«چون حسب الامر اقدس فوج دویم قزوین مامور کردستان است باید انشاءالله تعالی برای اردوئی که در آنجا تشکیل خواهد یافت حاضر بانجام خدمات دیوانسی باشد علیهذا بصدور این حکم نظامی اظهار و اعلام میشود که جناب جلالتماب امیرالامراء العظام نصرالسلطنه امیرتومان وزیر گمرکات و رئیس افواج قزوین بعمده الامراء العظام اسعدالسلطنه سرتیب مدلول این حکم نظامی را اعلان نماید که مشارالیه فوج را آراسته منظم و مکمل بدون کسری نفری و غائب برای سیزده عید نوروز در دارالخلافه حاضر کرده سان بدهد و از اینجا بصوب ماموریت خودشان روانه شوند و در کردستان در اردوئی که انشاءالله تشکیل خواهد یافت بخدمت محوله اشتغال ورزند البته بطوریکه تأکید شد جناب نصرالسلطنه اقدامات لازمه را در این باب مینماید که حرکت فوج در موعد مقرر بتأخیر نیفتد.»

چون اردو از چند فوج که از شهرهای دیگر مامور بودند تشکیل میشد لذا طی فرمانی که صادر شد اسعدالسلطنه فرمانده فوج دوم قزوین به ریاست اردو منصوب شد. «شهر رمضان المبارک مطابق سال پیچی ثیل سعادت دلیل مرقوم میشود چون برای ریاست اردوی مأمور کردستان و انتظام امور راجعه آنولایت لازم بود که یکنفر صاحب منصب قابل مجرب امتحان شده معین گردد، از آنجا که عمده الامراء العظام اسعدالسلطنه میر پنجه فوج دویم قزوین با فوج مأمور کردستان است و شخصاً نوکر قابل و لایق با کفایتی است علیهذا بصدور اینحکم نظامی برحسب امر قدر قدر سرکار اعلیحضرت قوشوکت سپرآیت قضا بسطت اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و ایام السلطنه

۱۳- تاریخ ارتش نوین بخش نخست.

۱۴- عبدالحمین میرزا فرمانفرما فرزند فیروز میرزا فرمانفرما از سال ۱۲۹۵ ه. بخدمت نظامی مشغول گردید. در ۱۲۹۸ بریاست افواج کرمان منصوب و بدرجه سرتیبی رسید و به نصرالدوله ملقب شد، سپس به آذربایجان اعزام و بدرجه امیرتومانی نائل و در اردو کشی به ساوجبلاغ مگری به علت خدماتی که انجام داد به لقب سالار لشکر و ریاست افواج آذربایجان منصوب شد. در سال ۱۳۰۹ ملقب به فرمانفرما و حکمران کرمان و بلوچستان گردید. در سال ۱۳۱۴ بوزارت جنگ و فرماندهی کل قشون منصوب شد.

ریاست کلیه قشون مأمور کردستان از توپخانه و افواج و سواره و موزیکانچی و غیره بعهدہ مشارالیه محول و واگذار گردید که اهمات داشته و مجاهدات کافیه در نظم اردو کردستان بعمل بیاورند، از هرکس حرکتی خلاف قانون نظامی صادر شود از طرف دولت مجاز و ماذون است که از بروز خلاف و تقصیری در اردو مانع بشود و مجازات لازمه را بدهد عموم آحاد و افراد و صاحب منصبان مأمور اردوی کردستان مشارالیه را بریاست مستقله خودشان برقرار دانسته و از مدلول این حکم نظامی تخلف نوزند. تحریراً فی شهر فوق ۱۳۱۴»

فرمان به مهر سالار لشکر فرمانفرما مهور است. در بالای فرمان دستخط شاه نوشته شده «تمام اردو باید باصلاح و صوابدید اسعدالسلطنه باقی و هرکسی خلاف کند تنبیه سخت از او بکند صحیح است».

بعماز دریافت این فرمان فوج دوم که فوج سی و هفتم افواج پیاده بود مشغول تجهیز برای حرکت و انجام ماموریت محوله شد. این فوج تشکیل میشد از یک قسمت فرماندهی یا ارکان فوج شامل فرمانده، سرشته دار، اجودان، بیرقدار (پرچمدار) ۶ وکیل (گروهبان)، سه طبیب و جراح یک دواساز (داروساز) ۱۶ نفر بالابانچی و طبال، یک افسر و ۴ درجه دار قورچی (اسلحه و مهمات) و هشت دسته که هر دسته تحت فرمان یک سلطان (سروان) بود و دو نایب (ستوان) و ۱۵ درجه دار و ۹۵ سرباز عده دسته را تشکیل میداد و آمار فوج شامل، ۳۵ افسر ۱۵۹ درجه دار و ۶۵۸ سرباز بود.

جماعت سوار چگینی ۱۵ که ۱۹ افسر و ۲ درجه دار و ۱۷۹ سرباز داشت ملحق به فوج گردید. برای اعزام فوج لازم شد تفنگ های فوج در حدود ۶۵۵ قبضه که از نوع ورنند بود تعمیر و چادرها و ملبوس افراد مرمت شود، لذا از طرف وزارت جنگ مبلغ ۲۵۵ تومان به عزالدوله ۱/۶ حکمران قزوین حواله داده شد و به حکمران تاکید شد که زودتر این پول حواله شود البته چند مرتبه بین فرمانفرما و حکمران و فرمانده فوج تلگراف مبادله شد و فرمانفرما طی تلگرافی به فرمانده فوج ابلاغ کرد که باید تاده روز از عید گذشته این تعمیرات انجام شود تا چهاردهم عید سوار و فوج را باملزومات مرتب و صحیح حرکت داده در محل ماموریت اردو منظم منعقد نمایند که از هر جهت آراسته و بقاعده باشد و منتظر روز چهاردهم عید خبر حرکت شما تلگرافی بمن برسد ۱۵ شوال ۱۳۱۴ - (سند ۱) برای تعمیر سلاح و آماده کردن آنها یک یاور (سرگرد) قورخانه و چهار نفر قورخانه چی بقزوین اعزام و طی دستورالعملی در مورد آنها ابلاغ میشود که «در محافظت قورخانه بشما بنویسم که حتی الامکان مواظبت و مراقبت لازمه را در این باب مرعی دارید و همیشه قورخانه را بیک اندازه از اردوی

- ۱۵- چگینی ها جزو طوایف اکرادی هستند که در زمان شاه عباس اول صفوی و نادرشاه افشار بقزوین کوچانده شده اند. طایفه چگینی از ۱۵ تیره در حدود ۱۰۰۰ خانوار هستند در دهاتی که جزء دهستانهای اقبال، قاقران و طارم است سکونت دارند.
- ۱۶- عبدالصمد میرزا فرزند محمدشاه در سال ۱۲۷۴ ملقب به عزالدوله شد و بحکومت ولایات مختلف منصوب و در سالهای ۱۲۷۱، ۱۲۷۳ و ۱۳۱۴ حکومت قزوین را بعهدہ داشت.

خودتان خارج کرده که از هر آفتی مصون و محفوظ بماند و قراول مخصوص داشته باشد... در مواقع لزوم که در اردو شلیک میشود تصدیق مههور بدست آنها بدهید که بعد از مراجعت آنها بنارالخلافة سندی در دست داشته باشند که معلوم شود از قورخانه تحویل آنها بهمه جهت چه بمصرف رسیده.» در حاشیه همین دستورالعمل که در شوال ۱۳۱۴ صادر شده اضافه گردیده دو نفر طبیب، یک نفر جراح و چهار باز دواخانه هم که امروز خودم در میدان مفصلاً بدون عیب بازدید کردم باتفاق همین قورخانه‌چی‌ها روانه قزوین شدند از قرار کتابچه که صورت دواها را در آنجا به تشخیص جناب جلال‌التماب اجل اجودانباشی کل معین کرده‌اند برای شما فرستاده میشود که مطابق ترتیب همان کتابچه بمصرف اردو برسانید... توضیحاً مینویسم که تمام قورخانه‌چی‌ها و اطباء و کلیه اجزاء اردو مطیع خود شما باشند و از قرار دستورالعمل شما رفتار کنند و در تمام امور مسئول شخص شما هستند.» (سند ۴) بعد از انجام این مقدمات و آمادگی فوج برای حرکت از احضار آنها به تهران خودداری شد و فوج بعد از دریافت مخارج راه و جیره علیق و حقوق سه‌ماهه در معیت سوار چگینی از طریق زنجان، بیجار بطرف کردستان حرکت کرد.

از طرف مخبرالملک ۱۷ رئیس کل تلگراف برای اولیاء تلگراف‌خانه‌های مسیر حرکت فوج دستورالعمل زیر صادر شد: «روساء و کارگزاران دایره جلیله تلگراف ولایت قزوین و خطوط تلگرافی صفحات کردستان را اظهار میدارد چون حسب‌الامر دیوان اعلیٰ عمدة‌الامراء العظام آقای اسدالسلطنه میرپنجه بریاست اردو و قشونی که در کردستان تشکیل خواهد یافت بقزوین آمده و از آنجا بطرف مقصد می‌رود و در عرض مدت توقف و ذهاب و ایاب مطالب تلگرافی مشارالیه را که فقط راجع به مسئله نظامی و امر قشونی و اردو باشد و به‌گماشتگان اداره جلیله جنگ عرض و اظهار مینماید مجاناً و بلاقیمت قبول کرده بطور دقت و اهتمام سؤال و جواب نمائید و مطالبه اجرت نکنید فی ۲۶ شهر رمضان ۱۳۱۴.» (سند ۳).

دو عراده توپ کوهستانی هم دستور داده شده از تهران حرکت کند. بعد از رسیدن اردو به محل فوج توپس‌رکان مرکب از ۸ دسته شامل ۳۵ افسر و ۱۳۲ درجه‌دار و ۶۲۵ سرباز و فوج ظفر کردستان با همین استعداد به‌ارادو ملحق و تحت امر قرار گرفت.

اردو در جنت باغی حومه سندیج مستقر شد و شروع به‌اعزام افراد برای سرکوبی یاغیان به ارومان و مریوان نمود. در ۹ محرم ۱۳۱۵ فرمانفرما وزیر جنگ تلگرافی بشرح زیر مخابره میکند: «عمدة‌الامراء العظام اسدالسلطنه از حرکت اردو بمقصد مطلع شده از حسن مراقبت و اهتمامات شما در خدمت دولت کمال خوشنودی و رضامندی حاصل است، چنانچه اطلاع داده‌ام سه فوج خسته و همدانی و ملایری و سواره جهان‌شاه‌خان حاضر و ملزومات هم از هر قبیل برای آنها فرستاده شد هر وقت اقتضا و ضرورت پیدا

کرد بفاصله چهار و پنج روز متفقاً باردوی شما ملحق خواهند شد، چون عریضه اورامانی ها را که فرستاده بودید تا یکدرجه معلوم میشود که ربق اطاعت بگردن نهاده در ایفای منال دیوانی حاضر هستند، همین تلگراف مرا بجناب اجل سالارالملک ۱۸ و مشیردیوان ۱۹ ارائه دهید اگر مقتضی و صلاح دیده و اظهار عجز و پناه آوردن آنها را مطمئناً تقبل در انقیاد آنها نمودند ضرری ندارد که شما هم از آنها استمالت و مهربانی نمائید و اگر اطمینان حاصل نشد و خاطر جمع نتوانستید بشوید تکلیف ماموریت را بحکم حضرت مستطاب اجل اشرف امیر نظام ۲۰ و دستورالعمل سالارالملک ادامه خواهید داد. مقصود این است از اهالی اورامان اطمینان درستی حاصل آید باین معنی ریش سفیدان آنها بیایند و گروهی خودشان را بدهند خاطر جمع باشید این ترتیبات را سالارالملک و مشیر دیوان بهتر میدانند.» (سند ۴).

فرمانده اردو بعد از آنکه اقداماتی برای اعاده نظم و امنیت در اورامان بعمل آورد گزارش باین شرح ارسال میکند و سابقاً عرض کرده بود که حضرات روسای اورامان کاغذها نوشته‌اند و جناب شیخ عمر ۲۱ را که از فضلاء و علمای معتبر و بهتر است در این جا طرف شود و مصلحت دولتی است واسطه و شفیع قرار داده‌اند و جناب شیخ عمر هم تعلیقه‌ها بهمین مضمون نوشته‌اند که حضرات را برداشته بیایند اردو و در امان باشند چون جناب شیخ در این سامان بسیار آدم مکفی و شاخص و معقول است در صورتیکه بامعزیه الیه بیایند البته باید در امان باشند. رساندن مالیات که در موقع برسانند چون از طرف دولتی هم لازم است اطمینانی داده شود مستدعی است بعرض کارگذاران وزارت جلیله جنگ برسانید و کسب تکلیف برای فدوی شود زودتر مرقوم فرمائید که ترتیبی در امورات آنجا داده شود بنقطه دیگر حرکت شود. انشاءالله کاملاً در این باب مرحمتی خواهند فرمود دو طغرا پاکت جناب شیخ عمر و بیگزاده‌ها که نوشته‌اند تقدیم حضور مبارک نمود ملاحظه خواهند فرمود.» در پاسخ گزارش در حاشیه نامه نوشته شده

۱۸- عبدالصین خان ملقب به سالارالملک فرزند امیر نظام گروسی چون حکومت کردستان در اختیار امیرنظام بود و او در این تاریخ پیشکار آذربایجان و مقیم تبریز بود سالارالملک از طرف پدر امور حکومت کردستان را اداره میکرد و در جمادی الثانی ۱۳۱۶ موزول شد.

۱۹- میرزا یوسف مشیردیوان فرزند میرزا محمد رضا وزیر در سال ۱۲۹۴ در حکومت سلطان مراد میرزا حسام السلطنه بوزارت کردستان رسید و مکرر در زمان حکام کردستان امورات منطقه را بعهده داشت در رمضان ۱۳۳۸ درگذشت و جد خانواده مشیر وزیر کردستان است.

۲۰- حسنعلی خان امیرنظام گروسی از رجال باکفایت و دانشمند عصر قاجار است در ۱۲۳۶ در بیجار متولد و در ۱۲۵۳ از طرف محمد شاه برهنگی فوج گروس منصوب و مامورتهای مختلف نظامی باو محول و در ۱۲۶۷ بدرجه سرتیپی رسید و با حسام السلطنه در فتح هرات شرکت داشت و در ۱۲۸۹ امیر تومان در سالی که اردو در کردستان تشکیل شد حکومت کردستان را بعهده داشت و سالار الملک بجای او در کردستان حکومت میکرد.

۲۱- شیخ ضیاءالدین عمر فرزند شیخ سراج‌الدین از مشایخ نقشبندیه که مورد وثوق اهالی کردستان و پیروان و معتقدان زیاد داشت. شیخ سراج‌الدین موسی طریقه نقشبندیه در ایران و عراق است.

«در اینباب تلگرافات بتوسط جناب جلالتماب اجل سالارالملک رسیده از طرف من و حضرت مستطاب اشرف امیر نظام دامت شوکتہ جواب دولتی داده شدہ البتہ تاکنون مطلع و مسبوق شدہاید من خودم ہم از امانت و دیانت و کفایت جناب قدس نصاب شیخ عمر سلمہ اللہ بی سابقہ نیستم و قول ایشان موثق و معتبر است در صورتیکہ این شرایط اظہاریہ موجود شد و شما اطمینان کامل حاصل نمائید البتہ باید اسباب آسودگی اہالی مریوان فراہم و آنها را امان بدهید ۲۸ شہر محرم ۱۳۱۵» (س: ۵۰).

— قبل از این پاسخ وزیر جنگ در ۱۶ محرم تلگرافی میفرستد «... از ورود و تشکیل اردوی دولتی در نقطہ مریوان مطلع شدم حالا کہ ملاجلال اورامانی از روسای آنجا نوشتہجات پناہدگی آورده و جناب شیخ عمر را کہ از علمای معتبر و متدین آن صفحات است شفیع خودشان قرار داده کہ بیایند در اردو متحصن و امنیت بخواہند چون جناب شیخ عمر در نزد خود من ہم معروف و اقوال و اطوار او بیک درجہ موثق و معتمد است شما ہم اگر اطمینان صحیحہ حاصل کردہ بتصویب جناب جلالتماب اجل سالارالملک ترتیبات امنیت را از قبیل اخذ گرو و پرداخت منال دیوانی و غیرہ کہ معمول است بدهید بعداز دستورالعمل حضرت مستطاب اجل اکرم اعظم امیرنظام دامت شوکتہ اردو بنقطہ دیگر حرکت بدهید فرمانفرما» (سند ۶) — در کتاب تاریخ کردو کردستان تالیف مرحوم آیتاللہ شیخ محمد مردوخ دربارہ وقایع این ایام چنین نوشتہ شدہ «دو فوج سرباز تحت ریاست اسعدالسلطنہ زنجانی وارد کردستان شدہ در جنت باغی چادر زدند کہ با فوج ظفر کردستان برای سرکوبی اورامان و مریوان حرکت کنند. مشیردیوان داخل اقدامات شدہ برای اینکہ بہامیر نظام حسن خدمت تحویل دہد قادر سلطان و رضاقلی بیگ و جمعی از خوانین اورامان را در معیت شیخ عمر بشہر آورده اظہار اطاعت نمودند.» اینکہ مرحوم آیتاللہ مردوخ اسعدالسلطنہ را زنجانی دانستہاند تصور میشود بعلت اینکہ اردو از طرف خصم و بیچار وارد کردستان شد فرماندہ را زنجانی دانستہاند. بعد از برقراری نظم در اورامان بہ مریوان ہم دستجاتی اعزام شد و امنیت ہم در آنجا برقرار گردید. در گزارشی کہ در این بارہ مخابرہ شد اعلام شدہ «... از معتبرین و رعایای مریوان قبل از ورود اردو بہ آنجا کوچیدہ و متفرق شدہ بودند، بعضی نوشتہجات محبت آمیز نوشتہ و آنها را عودت دادند. عدہای از اہالی منجملہ شیخ قادر از فرماندہ استقبال کردند...» وزیر جنگ از اقدامات انجام شدہ تقدیر کردہ و مینویسد اگر از عقل و تدابیر صحیحہ شما مطمئن نبودم شما را باین مہم دولتی منتخب و امتیاز نمیدادم. (سند ۷) و اعلام میشود کہ این مطلب را باہالی و روساء حالی نمایند اگر در آتیہ باز بنای اردو شد دیوان قہراً تنبیہ سختی بعمل آورده و مطلقاً توسط قبول نخواہد کرد چون با مطیع شدن روساء و خوانین اورامان و مریوان وتمہد پرداخت منال دیوانی عملیات اردو تمام شدہ بود، لذا در ۱۴ صفر ۱۳۱۵ فرمانفرما تلگرافی بشرح زیر مخابرہ میکند:

«...عمدۃ الامراء العظام اسعدالسلطنہ دو فقرہ تلگراف شما کہ یکی در التجا آوردن

اورامانی‌ها و دیگری در پناه‌دادن مریوانی‌ها رسید و عیناً از لحاظ مبارک اقدس همایونی گذشت، خاطر مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری روحنا فداء قرین کمال خرسندی و در مقابل این زحمات و حق خدمات شما و صاحب‌منصبان اردو که مفصلاً بعرض رسانیدیم نهایت مرحمت را فرمودند مقرر است که ابلاغ مراحم و الطاف خدیوانه را برسانید. بجناب شیخ عمرهم که دولتخواهی نموده و متحمل زحمت شده‌اند تلگراف ابلاغ مراحم شاهانه بتوسط حکومت کردستان مخابره شد، بملا جلال هم لقب داده میشود مسلم است هرکس که مصدر خدمت شده فراخور حال بذل مرحمت میشود سند د» سپس در ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۱۵ تلگرافی درباره پایان اردو و عزیمت به محل‌های مربوطه باین شرح میرسد «عمدة الامراء العظام اسعدالسلطنه دام مجده بندگان اعلیحضرت اقدس همایون ظل‌اللهی روحنا فداء کمال اظهار مرحمت و رضا از خدمات آن عمدة الامراء العظام شما و اردو را مرخص فرمودند مراحم همایونی را بعموم صاحب‌منصبان و اهالی اردو ابلاغ نمایند.» (سند ۸) امیر نظام هم که کردستان تحت حکومت او بود از خدمات فرمانده اردو باین شرح تقدیر میکند:

«امیرالامراء العظام اسعدالسلطنه فرمانده اردو کردستان تصدیق مینمایم و شهادت میدهم که از روزی که با اردو وارد کردستان شدید تا امروز که خدمت مرجوعه خود را بانجام رسانیدید مدار رفتار شما با کمال حسن سلوک بود اردو را منظم نگاه داشته و در استیصال سلاطین اورامان ۲۲ و مریوان تدابیر لازم بکار بردید و در جلوگیری از طوایف جاف جهدی بلیغ کردید هر نوع امتیازی از جانب دولت بشما مرحمت شود شایسته و سزاوار است فرزندی سالارالملك شما را محترماً مراجعت بدهند و بلوازم انسانیت رفتار نمایند رضامندی مرا باحاد و افراد و صاحب‌منصبان و اجزاء اردو خودتان ابلاغ نمایند امید که طبقات عساکر دولت علیه در هر موردی مظفر و منصور باشند.» (سند ۹).

مستور داده شده که حقوق و جیره افراد اردو داده شود و واحدهای اردو به قسمت‌ها مربوطه مراجعت کنند. در اوایل جمادی‌الاول ۱۳۱۵ فوج دوم و جماعت سوار چگینی بقزوین وارد شدند باین ترتیب اردو که مقدمات آن از ۹ شعبان ۱۳۱۴ شروع شده بود بعد از تقریباً نه ماه خاتمه یافت. امیر نظام در مورد عملیات اردو در کردستان شرحی به سالارالملك نایب‌الحکومه کردستان مینویسد «فرزندی سالارالملك از گرفتاری و کلاه و بیگزاردها مریوان که از دلایل بخت آنفرزند است خوشوقت شدم و بر امیرالامراء العظام اسعدالسلطنه و معتمد ۲۲ جای کمال تحسین و تمجید است که کاری را که در ایام

۲۲- در مقابل لقب پاشا که سلاطین عثمانی به امراء و فرماندهان مرزی خود داده بودند از طرف ایران هم به روساء قبایل مرزی که عهده‌دار حفظ مرز بودند لقب سلطان داده میشود. سان که بیگ‌های اورامان دنبال اسم خود داشتند مخفف سلطان است و مراد از سلاطین اورامان آنها هستند. ۲۳- معتمد از خاندان وزیری و جد خانواده معتمد وزیری است در تاریخ اردو کشی حاکم اورامان و مریوان بود.

حکومت مرحوم معتمدالدوله ۲۴ با ده هزار قشون و صد هزار تومان کردند آنها با تدبیر و باسهل وجهی خویش و بهتر از آنرا از عهده برآمدند، علاوه بر آنچه آنفرزندبدیوان عرض کرده من هم در همین روز آنچه را باید در این خدمت آنها تلگراف کردم و در جواب تلگراف سابق که حضرت والا فرمانفرما تلگراف کرده اند شما پالتو تن پوش باسردوشی مرحمت و فرمان یکصد تومان خرج خانقاه جناب شیخ عمر سلمه الله صادر و پاداش اسعدالسلطنه و دیگران را وعده داده اند. سند ز» و در ناهه باسعدالسلطنه مینویسد «مراسله شما واصل شد از صحت مزاج شما و اینکه سلامت وارد قزوین شده اید نهایت خوشوقتی و مسرت روی داد حق این است که شما در این ماموریت کردستان از روی عقل و تدبیر حرکت کرده و خدمت و ماموریت خود را بخوبی انجام دادید و بر شما جای کمال تحسین و تمجید است و در باب امتیاز شما و سایر مامورین مکرر بدیوان عرض نموده پذیرفته اند اما دلتنگ نباشید که خدمات شما پوشیده نخواهد ماند و پاداش خدمات شما داده خواهد شد همه اوقات سلامت احوال و مهمات را اظهار نمائید ۴ رجب ۱۳۱۵» (سند ۱۵) فوج دوم قزوین بعد از مراجعت به ماموریتهای مختلف بهرشت و خوزستان اعزام گردید اسعدالسلطنه بعدها لقب سالار مفخم را دریافت کرد و در اواخر سال ۱۳۲۲ در گذشت.

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شماره‌های تیر و مرداد را امیدواریم
پیش از فرا رسیدن شهریور منتشر کنیم
آینده

۲۴- فرهاد میرزا معتمدالدوله فرزند عباس میرزا از شاهزاده‌های باکفایت و فاضل قاجار است از ۱۲۸۱ تا ۱۲۸۴ هجری والی کردستان بود و در مدت حکومتش با درستی رفتار کرد و امنیت را در سراسر کردستان مخصوصاً در منطقه اورامان که همیشه در سرکشی و طغیان بودند برقرار کرد.



اداره نیکوکاری و خیرات

از ۱۰ به ۱۱

مغایط	نارنج اصل مطلب	عدک کباب	مغایط
	دقیقه ساعت	روز	

۱۶

عده در مراجع بطوریکه بعد از ششم سرج شریف در م وقت سید در وزارت کتیر سارا صید
 رام قلم دیدم این که با طبع کور کور در دست خود در وقت تعمیر در است میفشد و بنا به قسم تقاضای
 تعمیرات در روز دوشنبه تمام شد و بعد از آن در صبح حوالی ساعت ۱۰ به است سید
 تعمیرات فراتر از اینست تا در آنکه در تعمیرات در وقت ۱۰ صبح کور سارا صید
 کدورت در وقت سید چه صورتی در وقت سید در وقت سید در وقت سید در وقت سید
 در وقت سید در وقت سید در وقت سید در وقت سید در وقت سید در وقت سید
 این تعمیرات در تمام تعمیرات در تمام تعمیرات در تمام تعمیرات در تمام تعمیرات
 در وقت سید در وقت سید در وقت سید در وقت سید در وقت سید در وقت سید

بواسط نیکوکاران	کرفتند	کیرتلا مطلب
بشارت ۱۰ شهر	ساعت	دقیقه

کتابی
از
موسی
بن
نوح

منا و ادراک هم همه به خط زین در هر روز از کتابی

کتابی در کتاب یاد و زنده

حقا که در این کتاب
در تفسیر کفر و جلال
عقل در سواد
همی در کتابها
در صورت هر که را
هر که در این کتاب
در کتابی توفیق
پایه توفیق

کتابی
از
موسی
بن
نوح

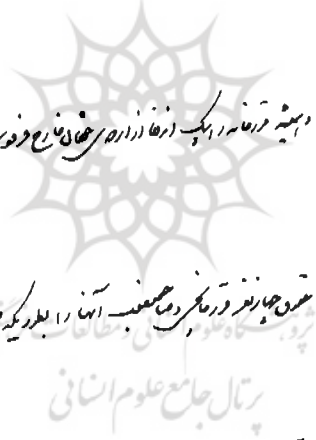
در روز قریب همه در دستم اینهمه را در دستم در وقت قرآن با من هم در کتابی

کتابی
از
موسی
بن
نوح

و همیشه قرآن را یک ازها از راه سخنانی و خود با در روز قریب در کتابی

کتابی
از
موسی
بن
نوح

محمود چنانچه در کتابی در این کتاب را بطوریکه فرزند همه در روز قریب در کتابی



رتال جامع علوم انسانی

کتابی
از
موسی
بن
نوح

برای عبادت همیشه رعایت در روز قریب در کتابی در کتابی

کتابی
از
موسی
بن
نوح

تقدیر قریب همیشه رعایت در روز قریب در کتابی

کتابی
از
موسی
بن
نوح

در علم خود در کتابی در کتابی در کتابی

کتابی
از
موسی
بن
نوح

در کتابی در کتابی



اداره اسناد و کتابخانه ملی

ایران، تهران، میدان ولیعصر

اطلاعات	تاریخ اعلام کتاب	عدد کل کتاب	میزین
	دقیقه	ساعت	ردم

برای ثبت کتاب در این دفتر اسناد و کتابخانه ملی، لازم است که کتاب در دو نسخه به این دفتر ارسال شود و هر دو نسخه باید به هم پیوسته باشند و در جلد کتاب عبارت "کتابخانه ملی ایران" درج شود. همچنین باید که کتاب در دو نسخه به این دفتر ارسال شود و هر دو نسخه باید به هم پیوسته باشند و در جلد کتاب عبارت "کتابخانه ملی ایران" درج شود. همچنین باید که کتاب در دو نسخه به این دفتر ارسال شود و هر دو نسخه باید به هم پیوسته باشند و در جلد کتاب عبارت "کتابخانه ملی ایران" درج شود.

اطلاعات	کتابخانه	کتابخانه	کتابخانه
	دقیقه	ساعت	شهر
	دقیقه	ساعت	شهر



اداره اسناد و کتابخانه ملی

ایران، تهران، میدان ولیعصر

اطلاعات	تاریخ اعلام کتاب	عدد کل کتاب	میزین
	دقیقه	ساعت	ردم

برای ثبت کتاب در این دفتر اسناد و کتابخانه ملی، لازم است که کتاب در دو نسخه به این دفتر ارسال شود و هر دو نسخه باید به هم پیوسته باشند و در جلد کتاب عبارت "کتابخانه ملی ایران" درج شود. همچنین باید که کتاب در دو نسخه به این دفتر ارسال شود و هر دو نسخه باید به هم پیوسته باشند و در جلد کتاب عبارت "کتابخانه ملی ایران" درج شود.

اطلاعات	کتابخانه	کتابخانه	کتابخانه
	دقیقه	ساعت	شهر
	دقیقه	ساعت	شهر



اداره اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

از نظر بزرگاری

اطلاعات	تاریخ استعلام	عدد	محل کلاس	موضوع
	دقیقه	ساعت		۷

موضوع استعلام: فهرست اسامی نویسندگان آثار منتخب از تاریخ ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۵ در بابک مکتب در زمان رضا پاشا
 تاریخ استعلام: ۱۳۰۵/۰۵/۰۵ و ۱۳۰۵/۰۵/۰۵
 نام نویسنده: آقایان اسرار علی و سایرین

اطلاعات	تاریخ استعلام	عدد	محل کلاس	موضوع
	دقیقه	ساعت		۷

تاریخ: ۱۳۰۵/۰۵/۰۵
 محل کلاس: تهران
 موضوع: کتابخانه ملی



اداره اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

از نظر بزرگاری

اطلاعات	تاریخ استعلام	عدد	محل کلاس	موضوع
	دقیقه	ساعت		۷

موضوع استعلام: فهرست اسامی نویسندگان آثار منتخب از تاریخ ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۵ در بابک مکتب در زمان رضا پاشا
 تاریخ استعلام: ۱۳۰۵/۰۵/۰۵ و ۱۳۰۵/۰۵/۰۵
 نام نویسنده: آقایان اسرار علی و سایرین
 در استعلام سابق در تاریخ ۱۳۰۵/۰۵/۰۵ در بابک مکتب در زمان رضا پاشا در بابک مکتب در زمان رضا پاشا
 از نظر بزرگاری: ۱۳۰۵/۰۵/۰۵
 محل کلاس: تهران
 موضوع: کتابخانه ملی

اطلاعات	تاریخ استعلام	عدد	محل کلاس	موضوع
	دقیقه	ساعت		۷

تاریخ: ۱۳۰۵/۰۵/۰۵
 محل کلاس: تهران
 موضوع: کتابخانه ملی

روداد معروف بندهگان حضرت ائمه انوار نظام بر جوی

جواب فزندی که در دهک زدن آری رسیده بفرمانه سروران گونزد و محبت انوار است

عزیزت ششم بر ایام و راه علم ایستاده دستم بکس کلک کسین بگویم است حکایت سراسر در این

حکومت بر حکم مستور میسر بوده نیز در کون مصر از آنکان گزیده آنچه با تو پیر کسین با همسر کجا

فوتور دستبر از آنروز از جمله برکنه زنده صدها بر آنچه آموزند برین عین کون که در این

نزد آنچه در راه را نخواست خود که گفته معروف کم در جواب معروف بانی که حضرت

فرمانه غرض حواصت گفته اند بمانی که آن بگویند بر وجهی بر عین برهان کسیر قانی جمع نگاه

جواب شیخ عمر کولار در راه کسین ایستاده در کون رود و همه مهره مستور بر این

کله هر دو در راه را چون بمانی که در علم روانی در کون بر گشت بمانی (ای نظام)

روداد بی مهر است



ایروداد را در راه
میرسدند و در صحرای رحمت مزاج شاد و دریا
لطیف

دیده است در در و قزوین شکر بر نهایت خوبی و برترت روی در دریای غایت

که شاد در این باغ کوریت کرد ستان از روی هفت در آن کوریت کرده است

و در کوریت خود روز بخوابد نام داده بید و بر شایه بی کجای کسین است

در باب اقیانوس و بر ما کوریتی که در این عرض نموده اند

که شکر نشاید که خداوند شکر شکر خورده مانده در راه است
۱۳۱۵
عمر
۱۳۱۵
عمر

شاد در در و خورشید همه در اوقات کوریت را در راه